

بررسی پروژه «عبور از خاتمی»

در ماه‌های اخیر، به ویژه بعد از غائله خرم‌آباد و سرکوب برنامه‌ریزی شده جنبش دانشجویی (در آستانه سفر تاریخی رئیس‌جمهور به نیویورک)، نظریه‌ای تحت عنوان، پروژه «عبور از خاتمی» از سوی گروه‌ها و جناح‌های مختلف سیاسی کشور مطرح شده است که آقای خاتمی نیز نسبت به آن واکنش نشان داده‌اند. با توجه به اهمیت مساله در شرایطی که برای انتخابات ۸۰ ریاست جمهوری زمینه‌سازی می‌شود، لازم است دیدگاه‌ها و عملکرد سه جریان اصلی زیر برای تبیین ریشه‌ها و علل مطرح شدن این پروژه، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

۱ - جریان انحصارطلب

پیروزی قاطع آقای خاتمی در هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در دوم خرداد ۱۳۷۶، دو پیام کاملاً متمایز داشت. اول رای منفی، صریح و شفاف مردم به عملکرد حاکمیت گذشته، دوم تایید و حمایت از برنامه توسعه سیاسی و اصلاحات آقای خاتمی و اجرای اصول فراموش شده و مهم قانون اساسی، به ویژه در زمینه آزادی‌ها و حقوق اساسی ملت.

این موفقیت موجب شد که مطالبات سیاسی - اجتماعی مردم در قالب برنامه اصلاحات به یک خواست ملی تبدیل گردد و جریان سنتی انحصارطلب که نگران از دست دادن پایگاه قدرت و حذف رانت‌های سیاسی و اقتصادی خود بود، برای تقابل با جنبش اصلاحات برنامه‌ریزی کند.

قتل‌های زنجیره‌ای، فاجعه تاسف‌بار تهاجم به کوی دانشگاه تهران و دانشگاه تبریز، ترور شخصیت‌های سیاسی، تعطیل فله‌ای مطبوعات، تهیه و پخش برنامه تنظیم شده «هویت» و کنفرانس برلین از صدا و سیما، بازداشت و اسارت نویسندگان و شخصیت‌های سیاسی اصلاح‌طلب و عملکرد یکسویه و تبعیض‌آمیز قوه قضاییه نسبت به بازداشت شدگان، گوشه‌ای از برنامه مقابله با جنبش اصلاحات را نشان می‌دهد.

بحران آفرینی‌هایی که در طول قریب چهار سال با استفاده از استراتژی «النصر بالرب» و با تکیه بر خشونت گروه‌های فشار و با شعار پاسداری از مقدسات دینی انجام شد، از یک سو شرایط لازم را برای سرکوب جنبش دانشجویی و مطبوعات اصلاح‌طلب، که نقش اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی مردم را بر عهده داشتند، فراهم آورد و از سوی دیگر برای خسته و فرسوده کردن نیروهای اصلاح‌طلب و دولت آقای خاتمی طراحی گردید تا با عدم تحقق برنامه‌های تعهد شده رئیس‌جمهور و مطالبات بر حق مردم، زمینه‌های یاس و بدبینی و سلب اعتماد ملت نسبت به دولت آقای خاتمی را فراهم آورد.

در چنین شرایطی است که رسانه‌های مرتبط با جریان انحصارطلب، در غیاب مطبوعات مستقل و اصلاح‌طلب، نارسایی‌ها و تنگناهای معیشتی مردم را برجسته می‌کنند تا عدم کارایی و اقتدار دولت را تبلیغ نموده و اعتماد مردم به رئیس‌جمهور و برنامه اصلاحات و توسعه سیاسی ایشان را کاهش دهند.

جریان اقتدارگرا که به دلیل عملکرد خود در طول دو دهه گذشته، پایگاه اجتماعی خویش را به میزان زیادی از دست داده است، همچنان بر منابع اصلی قدرت مالی، نظامی، قضایی و اطلاع‌رسانی جامعه تکیه زده و توان بحران‌آفرینی، هدایت آن و حمایت از بحران‌آفرینان را حفظ کرده است.

بحران‌های سه سال گذشته هر چند هزینه‌های سنگینی برای اصلاح‌طلبان داشته، اما در عوض موجب رشد و توسعه آگاهی در سطح جامعه و تثبیت برنامه اصلاحات گشته است. به طوری که جریان انحصارگر برای انحراف افکار عمومی، به تعریف مجدد اصلاحات پرداخته و با ادعای تولید اصلاحات، مطالبات بر حق مردم را، که همان مطالبات ملت ایران در طول مبارزات یکصد سال گذشته بوده و در شعارهای انقلاب اسلامی و قانون اساسی نیز منعکس شده است، به عنوان «اصلاحات آمریکایی!» مورد تهاجم قرار داده است.

سردمداران این جریان که هیچ‌گاه پاسخگوی عملکرد خود نبوده‌اند، برای بهره‌برداری از شرایط حاضر اعلان می‌کنند: «مسئولین جمهوری اسلامی باید پاسخگوی مسئولیت‌شان باشند، اما هیچ‌یک از مسئولین دوم‌خردادی پاسخگو نیستند» و چرا «جناح دوم‌خرداد و دولت آنها و رئیس‌جمهور نمی‌توانند گزارشی از عملکرد خود به ملت بدهند».

این جریان که از ابتدای انتخاب آقای خاتمی همواره به کارشکنی و تضعیف پرداخته و عمر این دولت را حداکثر شش ماه پیش‌بینی کرده بود، اینک برای برکناری «نجیبانه» رئیس‌جمهور بحث کنار رفتن در اوج قدرت (مانند نلسون ماندلا) را مطرح می‌سازد و در ماه‌های اخیر بحث «عبور از خاتمی» را پر و بال می‌دهد.

۲- جریان برانداز

جریان براندازی نظام که در دو دهه گذشته به انزوا و تحلیل کشیده شده و در قالب چند گروه مشخص (عمدتاً در خارج از کشور) حضور و فعالیت دارد، بعد از دوم‌خرداد همواره مخالفت خود را با شخص آقای خاتمی و برنامه اصلاحات در عرصه‌های مختلف اعلام داشته است. اگر برنامه اصلاحات با حضور و مشارکت گسترده مردم در چارچوب قانون اساسی تحقق یابد و همه ایرانیان با التزام به قانون اساسی برای ساختن ایرانی آباد و آزاد و مستقل بسیج شوند، خط‌مشی براندازی بی‌اعتبار گشته و زیر سوال خواهد رفت.

بعد از دوم‌خرداد ۷۶ گروه‌های انحصارطلب و اقتدارگرا که با اجرای برنامه اصلاحات و قانونمند شدن مناسبات مدیریتی، موجودیت خود را در معرض خطر می‌دیدند، هماهنگ با گروه‌های برانداز به کارشکنی در برنامه اصلاحات پرداختند و همچون دو تیغه قیچی حول محور تضعیف و از صحنه خارج کردن آقای خاتمی برنامه‌ریزی و اقدام نمودند.

۳- جریان اصلاح‌گرا

آقای خاتمی و جریان اصلاح‌گرا به رغم کارشکنی‌ها و بحران‌آفرینی‌ها، با پشتیبانی مردم و با تاکید بر، اهداف توسعه سیاسی، اصلاحات را به پیش بردند: برگزاری انتخابات شوراها و مجلس ششم، جلب مشارکت وسیع مردم و پیروزی چشم‌گیر نمایندگان اصلاح‌طلب، توسعه مطبوعات مستقل، شکوفایی جنبش دانشجویی، رشد آگاهی‌ها و شناخت فراگیر موانع اصلی توسعه کشور، کسب اعتبار بین‌المللی جمهوری

اسلامی ایران از طریق اجرای سیاست تنش‌زدایی، پاره‌ای از دستاوردهای برنامه اصلاحات و توسعه سیاسی بوده است.

هرچند عدم انسجام سازمانی، نداشتن برنامه و عدم توانایی بسیج نیروها در مواقع بحرانی و عدم مقبولیت پاره‌ای از فعالین این جبهه، مشکلات و محدودیت‌هایی را موجب شده است که باید به تدریج از میان برداشته شود.

توجه به این نکته ضروری است که برخی از فعالین گروه‌های دوم خرداد آرای آقای خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری را آرای خود تلقی کرده و به خاطر این اشتباه در عمل با واکنش مردم، حتی فعالین جنبش دانشجویی، روبرو شده‌اند. به علاوه جریان راست سنتی و اقتدارگرا، برای ایزوله کردن گروه‌های دوم خرداد اجرای شعار جدایی «خودی از غیرخودی» را بر آنها تحمیل کرده تا این گروه‌ها نتوانند با سایر احزاب و گروه‌های اجتماعی ریشه‌دار اصلاح‌گرا و کارشناسان صاحب‌نظر از جمله نیروهای ملی - مذهبی در چارچوب برنامه اصلاحات هماهنگ عمل کنند. این اقدام محدودیت بیشتر جریان اصلاحات درون و بیرون حاکمیت و دلسردی و ناامیدی بسیاری از مردم را موجب گشته است.

۴- زمینه‌های پروژه عبور از خاتمی

به این ترتیب جریان راست اقتدارگرا و گروه‌های برانداز نقش اصلی را در زمینه‌سازی پروژه عبور از خاتمی داشته‌اند ولی عملکرد گروه‌های دوم خرداد و محدودیت‌های درونی جریان اصلاحات رئیس جمهور را نیز نباید از نظر دور داشت.

ضرباتی که بر جنبش دانشجویی وارد شده، قلع و قمع نویسندگان و اصحاب مطبوعات، عدم توانایی دولت در پاسخگویی به مطالبات مردم، به همراه جوسازی‌های مخالفین اصلاحات، این سوال را برای بسیاری از مردم، به ویژه جوانان و دانشجویان که امیدهای آینده جامعه هستند، مطرح ساخته است که تا چه حد آقای خاتمی توان مدیریت و مهار بحران و عبور از این موانع را دارد؟ چرا آقای خاتمی از اختیارات و اقتدار خود استفاده کافی نکرده و با این همه بی‌قانونی و ظلم و فساد مقابله نمی‌کند؟

رئیس جمهور در جمع دانشجویان و دانشگاهیان، در واکنش به این روند، بر این نکته اساسی، که در فرهنگ استبدادی جامعه ما ریشه دارد، اشاره نموده است که «تا روزی که ما منتظر قهرمانیم این جامعه رشد نخواهد کرد». به نظر ما نیز به جای قهرمان‌سازی و برجسته نمودن افراد، باید فکر و برنامه آنها با جدیت دنبال گردد تا در این صورت با تغییر فرد در روند برنامه‌ها تغییری حاصل نشود.

علاوه بر آن، اصلاحات اجتماعی و تحولات پایدار سیاسی نیاز به فرایندی درازمدت دارد. شرایط لازم برای شکل‌گیری این فرایند، برخورداری از خصلت‌های صبر، ثبات قدم و پایداری و تقوای درونی است. در هر حال بر حسب این اصل اساسی قرآنی، تا نفوس یک ملت از بنیاد تغییر نکنند سرنوشت آن ملت تغییری نخواهد کرد. (ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم)

در میان کسانی که پروژه عبور از خاتمی را مطرح کرده‌اند، گروهی برنامه عبور از اصلاحات را دنبال می‌کنند. یعنی به سمت انسداد سیاسی و جلوگیری از آزادی‌های قانونی و حاکمیت ملت و حفظ حاکمیت انحصاری خود می‌روند، و گروهی بی‌اعتبار کردن مبارزه قانونی و زمینه‌سازی برای براندازی نظام را در سر می‌پرورانند. البته جمع دیگری نیز دستیابی سریع‌تر به اصلاحات و رفع موانع کنونی آن، برای

پاسخگویی عاجل‌تر به مطالبات مردم را مدنظر دارند.

جنبش دانشجویی و آگاهان جامعه به رغم تمامی ناکامی‌ها و دشواری‌های گذار از این دوره حساس، با استعانت از خداوند متعال و خرد جمعی و شناخت اهداف و انگیزه گروه‌هایی که پروژه «عبور از خاتمی» را مطرح ساخته‌اند، با مشارکت آگاهانه و صبورانه خود از برنامه اصلاحات آقای خاتمی حمایت کرده و زمینه انتخاب مجدد ایشان را فراهم خواهند نمود.

نهضت آزادی ایران پروژه «عبور از خاتمی» را عملاً آسیبی جدی به برنامه اصلاحات و استمرار بحران‌های کنونی کشور ارزیابی می‌کند و برای خنثی کردن توطئه‌ها و موانع راه اصلاحات، موارد زیر را مورد تاکید قرار می‌دهد:

۱- برنامه اصلاحات کند، کم‌هزینه، ولی دراز مدت و ریشه‌دار و هماهنگ با منافع و مصالح ملی است، اما نیازمند برنامه‌ریزی راهبردی می‌باشد.

۲- برای پاسخگویی به مطالبات اساسی مردم باید اجرای برنامه توسعه سیاسی و آزادی‌های قانونی مورد تاکید قرار گیرد.

۳- جریان اصلاح‌گرا لازم است با هوشیاری کامل توطئه گروه‌های فشار را که می‌خواهند حرکت‌های دانشجویی را به واکنش افراطی بکشاند خنثی نماید.

۴- افراط و تفریط آفت هر حرکت اصلاحی است. در هر مقطع، سطح مطالبات باید با ظرفیت‌ها و محدودیت‌ها هماهنگ شود تا بیشترین استفاده از امکانات موجود به عمل آید.

۵- برای مقابله با یاس و نومیدی و سرخوردگی لازم است دستاوردهای جنبش دوم خرداد و گام‌های بلندی که در راستای برنامه اصلاحات برداشته شده است، برجسته گردد تا شور و نشاط و تلاش و تحرک‌ها افزایش یابد.

۶- لازم است عملکرد آقای خاتمی و دولت ایشان خیرخواهانه نقد شود - نقد اصولی این عملکرد موجب اقتدار و تقویت بیشتر دولت ایشان خواهد شد.

۷- همه گروه‌های سیاسی، از جمله گروه‌های راست سنتی، ضروری است نامزد خود برای انتخابات ریاست جمهوری را با برنامه‌ای جامع معرفی کنند تا مردم بتوانند در فرصت کافی آن را بررسی و ارزیابی نموده و به نامزد مورد نظر خود رای دهند. در چنین شرایطی گام جدیدی در راستای انتخابات حزبی و اولویت برنامه به جای اشخاص و زمینه‌سازی برای شکل‌گیری جامعه مدنی برداشته می‌شود.

والعاقبه للمتقين

نهضت آزادی ایران